

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابعاد حج در قرآن

نویسنده : ناصر شکریان

منبع : کتابخانه فکری تیپان

www.IRPDF.com

بزرگترین منبع کتابهای الکترونیکی رایگان

فهرست

۱. بعد معنوی و عرفانی حج

۲. بعد فرهنگی حج

۳. بعد اقتصادی حج

پی‌نوشت‌ها

۱. بعد معنوی و عرفانی حج

عبادات که به عنوان هدف آفرینش انسان (۱) تعیین شده است اسراری دارد که این سرار غیر از آداب و احکام ظاهری عبادات می‌باشد. نوعا عبادات و فرائض الهی با اختلاف درجات فراوانی که نسبت به هم دارند، برای تقویت بعد روحانی و نفسانی و در جهت سیر و سلوک انسان وضع شده تا از عوالم جسمانی به عوالم روحانی تکامل یابند و به مقام قرب الهی برسند. چنان که مرحوم آقامیرزا جواد ملکی تبریزی عارف بزرگ در این زمینه فرموده است:

«مقصود اصلی از تشریع حج و سائر عبادات، تقویت بعد روحانی انسان است و تکالیف و فرائض الهی از نظر خاصیت اثرگذاری در روح و جان انسان مختلفند. بعضی اثر تطهیر و تخلیه را دارند که ظلمت را از فضای روح و جان بشر دور می‌کند و بعضی دیگر موجب تخلیه و تزیین جان و وسیله جلب نورانیت می‌گردد. و دسته دیگر، جامع هر دو اثر (تخلیه و تخلیه) هستند و حج از این دسته سوم است. زیرا حج یک معجون الهی است که جمیع امراض قلوب مثل بخل و استکبار و تنبلی و... را که مانع نورانیت قلب‌ها هستند، علاج می‌کند. (۲)

بنابراین و با توجه به مطلب فوق، حج از میان عبادات و فرائض الهی، جامع هر نوع آثار و فواید و اسراری است که در عبادات دیگر وجود دارد. چنان که مرحوم علامه طباطبائی در این مورد می‌فرماید: وقتی که سرگذشت ابراهیم، آن چنان که در قرآن بیان شده را، به دقت مطالعه کنیم می‌یابیم که این جریان یک دوره کاملی از سیر عبودیت و بندگی خدا و به اصطلاح یک سیر و سلوک معنوی است که بنده از موطن خود تا قرب الهی را می‌پیماید و با پشت‌سرانداختن زخارف دنیا و لذائذ و آرزوهای مادی و جاه و مقام و خلاصی از وسوسه‌های شیطانی به مقام قرب الهی دست می‌یابد.

این وقایع و اعمال و نسک حج گرچه به ظاهر از هم جدا هستند، اما مطالعه دقیق آن نشانگر دقایق آداب سیر طلب و حضور مراسم حب و عشق و اخلاص و بالاخره بیرون آمدن از مقامات دانیه و پیوستن به مقامات عالیه است که هرچه بیش‌تر

در آن وقت شود حقائق تازه‌تر و نکات لطیف‌تر عاید انسان می‌گردد. (۳)

از این رو خداوند متعال هم برای فراهم شدن این سیر بندگی و رسیدن به مقام قرب و حضور الهی و زیارت کعبه حقیقی، به حضرت ابراهیم خلیل الرحمن و اسماعیل ذبیح‌الله ماموریت دادند که حریم خانه‌اش را از هر چیزی که مانع این سیر و سلوک معنوی باشد، پاکسازی نمایند (۴) تا زائران الهی در خانه‌اش صرفا به او

بیندیشند و دور او طواف نمایند و از ظلمت ماسوی الله رهایی یابند تا بتوانند در خانه عشق مهمان او شوند و آماده ملاقات با یگانه معبود عالم هستی گردند. چنان که همین اموریّت با همین هدف در سوره حج به گونه‌ای روشن تر و دقیق تر بیان شده است:

قرآن در این زمینه می‌فرماید:

به خاطر بیاور زمانی را که محل خانه کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم و به ابراهیم گفتیم که این خانه را کانون توحید کن و چیزی را شریک من قرار مده و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده گزاران پاک گردان.

«وَإِذَا بَوَانَا لَابْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ.» (۵)

با توجه به تفسیر بودن (ان) برای (تبوئه)، (۶) به خوبی استفاده می‌شود که هدف از تبوئه ابراهیم در کنار خانه خدا، دو چیز است که جامع هر دو این است که این مکان مقدس مرکز عبادت خدا قرار گیرد و هیچ چیز دیگر شریک خداوند قرار داده نشود. لذا و برای تحقق این هدف مقدس، به ابراهیم خلیل الرحمن دو ماموریت داده شد: ۱. "ان لا تشرك بي شيئا" ۲. طهر بیتی للطائفین - یعنی ای ابراهیم مقصود از جای دادن تو در این جا سکنی گزیدن نیست بلکه، نه تنها خودت نباید هیچ گونه شریکی برای من قرار بدهی - چه شرک خفی و چه شرک جلی - چه این که نکره در سیاق نهی مفید عموم است «لا تشرك بي شيئا» ؛ بلکه باید ساحت قدس کعبه را از هر چه که شائبه شرک می‌رود پاکسازی نمائی تا دیگران در این مکان فقط مرا عبادت کنند و به هیچ دیگر نیندیشند. این مطلب با عنایت به صدر آیه و تناسب کلمه و موضوع که تطهیر کعبه برای امور عبادی نظیر طواف و عکوف و قیام و نماز می‌باشد به خوبی فهمیده می‌شود. مؤید این مطلب روایتی است از امام صادق علیه السلام که در تفسیر آیه فرموده است. علاوه بر این استعمال ضمیر متکلم وحده (بی - بیتی) بیانگر این است که این خانه، خانه خداست پس باید فقط خداوند مورد پرستش واقع شود.

مرحوم علامه طباطبائی در توضیح آیه می‌فرماید:

مراد از آماده ساختن کعبه برای ابراهیم این است که آن جا مرجع عبادت خدا قرار داده شود تا بندگان آن جا را خانه عبادت قرار بدهند، نه این که ابراهیم آن مکان را محل سکنی و زندگی خود قرار دهد. از این رو خانه را به خودش نسبت داد و فرمود «بیتی» تا اعلان کند که این خانه، کانون توحید و مختص عبادت خداست و هیچ چیز نباید شریک خداوند قرار داده شود و هدف دیگر این بوده که ابراهیم برای کسانی که قصد خانه خدا نموده‌اند عبادتی را تشریع کند که خالی از هر گونه شائبه شرک باشد. (۷)

آنچه که این عبادت خالص را فاسد می‌کند و از اختصاصی بودن خدا خارج می‌کند و در نتیجه انسان را از بندگی و عبودیت منحرف می‌کند، همان شرک است که خود دارای انواع و اقسام است که در قرآن ظلم عظیم تلقی شده است. (۸) و شاید در راستای تحقق همین هدف، در موقع احرام باید گفته شود «لا شریک لک لبیک» و به تعبیر عارفانه امام خمینی قدس سرهم لبیک‌گویان برای حق نفی شریک همه مراتبت کنی و از خود که منشا بزرگ شرک است به سوی او جل و علا هجرت نمایی. (حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۰)

و شاید نکته این که آیه «و اذن فی الناس بالحج» - بعد از آیه «طهر بیتی للطائفین» (۹) - ذکر شده این باشد که ابراهیم اول مأموریت یافت تا محیط کعبه را برای عبادت خالصانه خدا از هرگونه مظاهر شرک و کفر پاکسازی نماید و آن‌گاه دعوت عمومی بنماید تا طواف و نماز و سایر اعمال حج فقط برای او انجام پذیرد.

یعنی اگر در گوشه و کنار جهان انواع و اقسام کنگره‌ها و اجتماعات برای اهداف خاصی تشکیل می‌گردد، هدف از کنگره جهانی حج سیرالی‌الله و حضور در مهمانسرای الهی و رسیدن به مقام قرب الهی و آزاد شدن از هرگونه وابستگی و غل و زنجیرهایی است که به دور خود کشیده است، چه این که خانه خدا توصیف به عتیق شده است. (۱۰) و طواف دور خانه عتیق باید سبب آزادی از بند عبودیت غیر خدا شود چنان که ذبح و قربانی هم باید موجب رهایی انسان گردد. که آیه دیگری درباره قربانی می‌فرماید: گوشت‌ها و خون‌های قربانی به خدا نمی‌رسد، بلکه آنچه به خدا می‌رسد تقوی و پرهیزکاری شماست. (۱۱)

یعنی هدف از این سفر الهی، کسب تقوی و توشعه معنوی است چنانکه فرمود:

(در این سفر) زاد و توشه تهیه کنید که بهترین زاد و توشه پرهیزکاری است. ای صاحبان عقل و خرد از امن بپرهیزید. (۱۲)

یعنی تنها صاحبان عقل و خرد از این سفر کسب تقوی می‌کنند و با پیمودن مدارج تقوی به مقام قرب الهی می‌رسند، چه این که اگر تقوی به خدا می‌رسد «یناله التقوی منکم»، نفس متقی به خدا می‌رسد چنان که استاد آیت‌الله جوادی آملی در توضیح آیه فرمود: از آن جایی که تقوی با نفس متقی اتحاد دارد، پس نفس متقی هم به خدا می‌رسد و ممکن نیست تقوی به خدا برسد اما متقی نرسد، پس گوارا باد بر حج‌گزاری که قربانی‌اش الله باشد و غیر خدا را در آن نبیند تا تقوایش به خدا برسد و در نتیجه خودش هم به خدا برسد و شاید به خاطر همین تقوی ارزشمند و «موعود به» در نحر باشد که روز نحر را «حج‌الاکبر» و شاید تفسیر آیه «ثم لیقضوا تفثهم» (۱۴) در روایات، به ملاقات با امام معصوم علیه السلام، اشاره به این نکته باشد که اگر زائر متقی با قربانی به خدا می‌رسد، همچنان که آلودگی‌های ظاهری را از بدن دور می‌سازید، باید آلودگی‌های روح را با ملاقات با حجت‌الله برطرف نماید. چنان که امام صادق علیه السلام در این زمینه فرمود:

باید آلودگی‌های روح و جان را با ملاقات با امام‌علیه السلام برطرف نمایند. (۱۵)

امام باقرعلیه السلام هم در این باره فرمود: تکمیل حجه آن است که حاجی امام را ملاقات نماید. (۱۶)

احتمالا برای همین نکات بوده که حضرت ابراهیم با طی این منازل و مراحل حجه مقام والای امامت نائل گشت. از جمله آیات دیگری که دلالت بر بعد معنوی و عرفانی حج دارد آیه‌ای است که اشاره به نتیجه اعمال حج دارد:

هنگامی که مناسک حج خود را انجام دادید، پس ذکر خدا را بگوئید؛ همانند یادآوری کردنتان از پدران بلکه از آن هم شدیدتر و بیش‌تر. (۱۷) یعنی بعد از اعمال حج و پیمودن منازل آن: باید چنان حالت ذکر به زائر خانه خدا دست‌بدهد که غیر خدا را فراموش نماید، آن هم لااقل مثل آن شور و سوزی که در افتخار و مباهات به پدران خود در جاهلیت داشتند بلکه «اشد ذکرا» به شورتر و عمیق‌تر و با کیفیت‌بهرتر و بالاتر؛ چه این که «اشد ذکرا» به کمیت ذکر کار ندارد، بلکه مربوط به توجه قلبی است که چه بسا یک ذکر قلبی همراه با سوز و گذار به مراتب بهتر و برتر و کارسازتر از یک عمر اذکار لفظی است. پس سرانجام حاجی می‌تواند با توجه قلبی شدید به خدا برسد چنان که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه وآله در این باره فرمود:

هدف از وجوب نماز و حج و طواف و مناسک به یادداشتن ذکرالله در قلب و جان انسان است و الا آن نماز و حج چه ارزشی خواهد داشت. (۱۸) از این رو خداوند در توصیف مؤمنین فرمود: مؤمنان تنها کسانی هستند که هر وقت نام خدا برده شود، دل‌های آن‌ها ترسان گردد. (۱۹)

بنابراین، یکی از مناسب‌ترین مکان برای تحقق ذکر قلبی، مراسم با شکوه حج است شاهدش این است که خداوند متعال در آیات مختلف متذکر همین مساله در ایام حج شده است. (۲۰)

بنابراین، حاجی در همه جا باید سعی و تلاش نماید تا توجه قلبی برایش حاصل گردد. قرآن هنگامی که اهداف را بیان می‌نماید یکی از آن‌ها را «و یذکروا اسم الله» ذکر می‌فرماید: هنگامی که برنامه هدی را در موارد متعدد بیان می‌کند، تذکر می‌دهد که هدف از نحر و ذبح «ذکرالله» و «تقرب الی الله» است. شاهدش این است که در آیات متعدد مربوط به هدی، فقط یاد خدا را مطرح می‌نماید؛ یعنی در هنگام قربانی تمام توجه باید به خدا و قبولی اعمال باشد و بقیه امور تحت الشعاع قرار گیرد.

از بین آیات گذشته آیه ۳۴ از سوره حج قابل توجه بیش‌تر است چون که:

۱. علت تشریع عبادات برای هر امت یک چیز قرار داده شد و آن ذکر الله است تا به این نکته توجه بدهد که مقصود اصلی از مناسک، ذکر الله است. چنان که بعضی از مفسرین گفته‌اند.

از این که در این آیه مبارک تشریع نسک را فقط به ذکر الهی تعلیل آورده، فهمیده می‌شود که مهم‌ترین هدف از تشریع عبادت، ذکر الهی است. (۲۱)

۲. از دنباله آیه «فالهکم اله واحد فله اسلموا» استفاده می‌شود که از آن جائی که معبود شما یکی است، پس باید فقط خاضع و تسلیم او بود و ذکر او را گفت و منسوب به غیر نکرد.

۳. از تعقیب آیه فوق به آیه «و بشر المخبّتين الذين اذا ذكروا الله و جلت قلوبهم» (۲۲) به دست می‌آید که اولین صفت مخبتین همان توجه قلبی به خدا است که باید در مراسم حج برای حاجی حاصل گردد.

به علاوه، نکته دیگری که از این آیه (با توجه به این که در سیاق آیات حج واقع شده) به دست می‌آید این است که حاجی باید در ایام حج سعی کند که از مخبتین به شمار آید، آن‌هایی که دارای چهار ویژگی (وجل - صبر - اقامه - انفاق) هستند.

مرحوم علامه طباطبایی در توضیح آن می‌فرماید:

جمله «بشر المخبّتين» اشاره به این است که هر کس در حج خودش اخلاص و حالت تسلیم داشته باشد او را مخبتین است و مخبتین طبق این آیه کسانی هستند که وقتی نام خدا برده می‌شود دل‌هایشان مملو از خوف پروردگار می‌گردد و در برابر حوادث، صبر و شکیبایی پیش می‌گیرند و برپادارندگان نماز هستند و از آنچه که خداوند به آن‌ها داده انفاق می‌کنند. و لذا مرحوم علامه می‌فرماید: انطباق این صفات مخبتین با کسی که حج خانه خدا را با حالت تسلیم به جا می‌آورد روشن است، چون که همه این صفات در حج وجود دارد. (۲۳)

از این رو حضرت ابراهیم بالاترین مقام را که مقام تسلیم باشد در کنار کعبه، برای خود و ذریه‌اش درخواست نمود: پروردگارا، ما را تسلیم فرمان خودت قرار ده و از دودمان ما نیز امتی مسلمان قرار ده. (۲۴)

از جمله آیات دیگری که دلالت بر بعد معنوی و عرفانی حج دارد، آیه‌ای است از سوره مبارکه مائده که خداوند فرمود: «ای کسانی که ایمان آوردید شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آن‌ها را حلال نشمرید و احترام را نگه دارید و قربانی‌های بی‌نشان و یا نشاندار را حلال نشمرید و نیز احترام کسانی که برای به دست آوردن فضل

پروردگار و جلب رضوان او به قصد زیارت خانه خدا حرکت می‌کنند، نگه بدارید و برای آن‌ها مزاحمت ایجاد نکنید. (۲۵)

از آن جایی که «رضوان» در لغت به معنای رضایت کثیر (۲۶) است، پس حاجی در این سفر مقدس باید دنبال کسب رضوان الهی باشد که مهم‌ترین سرمایه برای هر عبدی، کسب رضایت مولی است. «رضوان من الله اکبر» (۲۷) و محل کسب چنین رضایتی، موسم با شکوه حج است. چنان‌که امام صادق علیه السلام در ضمن حدیث مفصلی فرمود: حج شعبه‌ای از رضوان الهی است. (۲۸)

هم‌چنان که حضرت ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! من بعضی از ذریه‌ام را در سرزمینی بی‌آب و علف در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند» (۲۹) از این آیه هم بعد معنوی حج استفاده می‌شود، چون که کلمات غیر ذی زرع و عند بیتک الحرم و لیقیموا الصلوة اشاره به این واقعیت دارد که غرض از اسکان، زراعت و کسب و تجارت نیست، بلکه اسکان در این مکان فاقد هر نوع امکانات اولیه، برای تقرب محض الی‌الله و متمحض شدن در عبادت اوست. مرحوم علامه طباطبایی هم در وجه هجرت حضرت ابراهیم علیه السلام به این سرزمین بی‌آب و علف فرمود: برای این‌که ذریه‌اش متمحض در عبادت خدا بشوند و شواغل دنیا دل‌هایشان را مشغول نسازد. (۳۰)

از این‌رو، اولین غرض و به قول بعضی از مفسرین تنها غرضش را اقامه نماز ذکر نمود و چنان‌که تکرار نداد «ربنا» در «ربنا لیقیموا» و ذکر نماز از بین شعائر، برای اظهار کمال عنایت به اقامه نماز در جوار پروردگار است. هم‌چنان که از آیه «طهر بیتی للطائفین و العاکفین و الركع السجود» (۳۱) استظهار می‌شود که عمده عبادت حاجی در کنار خانه خدا باید طواف و عکوف و نماز باشد.

پس جو حج، یک جو عبادت و بندگی و دور جستن از هرگونه تعلقات مادی است و سفر جیک سفر الی‌الله است.

بنابراین، حاجی از همان اول که نیت حج می‌کند و از خود و خانه و کاشانه و همه تعلقات مادی جدا می‌شود تا احرام و طواف و سعی و رمی و هدی کند، همه جا خدا را می‌جوید و در طلب وصال او شب و روز آرام ندارد؛ این سو و آن سو می‌رود و در کوه و بیابان سرگردان می‌شود تا در مهمانسرای الهی آیات روشن الهی را با چشم سر و چشم جان مشاهده نماید. «فیه آیات بینات» (۳۲) و با سعی و تلاش همچون هاجر چشمه‌ای از معرفت برای او گشوده گردد. پس، هرکس که قصد سفر الی‌الله را نموده، باید از ابتداء از هرگونه اموری که با این سفر ضدیت دارد و دوری جسته و دل را فقط متوجه خدا بنماید. چنان‌که امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

به هنگام حج دل را برای خدا مجرد ساختن، و از هر حجابی آزاد شدن و همه امور را به خدا سپردن، و در تمام حرکات و سکنت بر او توکل کردن و خود را با آب توبه شستشو دادن و دنیا و مافیها را رها ساختن از مقدمات سفر الی الله است. (۳۳) یعنی شرط نخستین این سیر، بیرون آمدن از خود و تعلقات مادی است و جهت تحقق عملی آن از لحظه اول احرام، باید از انواع تعلقات مادی و انواع امتیازات و تفاخرات و زخارف، حتی از کفش و کلاه رها شود، تا حالت فرشته گونه پیدا کند. و فقط با دو تکه پارچه پاک و حلال با رمز مخصوص جواز عبور برای مهمانی و ملاقات با رب الارباب بگیرد. از این رو، لحظه جواز عبور گرفتن بسی حساس و سرنوشت ساز است، که اولیاء الله در موقع گفتن لبیک رنگ عوض کرده و گریه می نمودند که نکند جواز عبور به آنها داده نشود. و چنان که امام صادق علیه السلام و امام سجاده علیه السلام در این لحظه به حالت غشوه افتادند. وقتی که علت را پرسیدند، فرمودند: چگونه جرات کنم که بگویم «لبیک اللهم لبیک» در حالی که می ترسم لبیک (خدایا آمدم) بگویم اما جواب آید که من آمدم تو را قبول ندارم. (۳۴)

لبیک را کسی می گوید که احساس حضور نماید در اطاق در بسته در حالی که کسی نباشد، بلکه نمی گویند اگر لبیک گفته می شود یعنی در حضور او هستیم او ما را صدا زده و ما جواب می دهیم. از این رو، حضرت امام خمینی قدس سره عارف معاصر فرمود: مهم آن است که حاجی بداند کجا می رود و دعوت چه کسی را اجابت می کند و مهمان کیست و آداب این مهمانی چیست. (۳۵)

حاجی می خواهد با احرام حرم امن الهی در خود به وجود آورد و منطقه وجودش را برای غیر خدا ممنوعه اعلان کند: «من دخله کان آمناً» (۳۶) تا برای همیشه بر روی غیر خدا ممنوع گردد. خود میزبان فرمود: کسانی که (به واسطه احرام) حج را بر خود واجب نموده اند باید از هر گونه تمتعات جنسی و انجام گناه و گفت و گوهای بی فایده و جر و بحث های بی ارزش اجتناب کنند. (۳۷)

مسائل معنوی و عرفانی حج هرگز تمام شدنی نیست، و رسیدن به مقامات عالیّه در حج، وقف احدی نیست بلکه بستگی به سعی و تلاش، همت و خلوص و سوز و گداز زائران دارد. و هر زائر خانه خدا باید بداند که اگر کسی در این بعد از حج که مهم ترین ابعاد حج است موفق نگردد، در ابعاد دیگر هم چندان موفق نخواهد شد. چنان که حضرت امام خمینی قدس سره احیاگر حج ابراهیمی، محمدی در این باره فرمودند: تحصیل ابعاد دیگر حج در گرو تحصیل بعد معنوی حج است؛ بعد سیاسی و اجتماعی حج حاصل نمی شود، مگر آن که بعد معنوی و الهی آن جامه عمل بپوشد. (۳۸)

بنابراین، حاجی تنها نباید این بدن را از راه دور حرکت داده و به میقات و مطاف و مسعی و عرفات و مشعر و منی رساند، اما با جان خالی از معارف آسمانی و دست تهی از بهره معنوی حج با چمدان های پر از عروسک و اسباب بازی برگردد. (۳۹) «فوا اسفاه من خجلتی و افتصاحی» (۴۰) آن کس که با پا به کعبه رود کعبه را طواف

می‌کند و آن‌کس که با دل برود او را طواف می‌کند و اگر حاجی در ایام حج به خود نپردازد و از خودبینی رها نشود و به خودسازی همت نگمارد و از احرام تا حلق و تقصیر و طواف خود را از آلودگی خلاصی نبخشد، پس کی؟ اگر قبل و بعد او فرق نکند، پس کی؟ چه آن‌که حج فراموش کردن خود، در راه خدا و ذوب شدن من، در ما است.

۲. بعد فرهنگی حج

موسم حج علاوه بر امور معنوی، یک از مناسب‌ترین ایام برای مبادله فرهنگی و انتقال ارزش‌ها در بین مسلمین جهان است و آثار و برکاتی از این راه نصیب اسلام و مسلمین می‌گردد، و سبب رشد و شکوفائی زائران خانه خدا را فراهم می‌نماید. چون که ایمان و بینش دینی حج‌گذار در گذرگاه‌های حج از ناخالصی‌ها جدا و اصلاح می‌گردد و در نتیجه حج‌گذار به فرهنگ ناب محمدی دست پیدا می‌کند، چه این که حج یک دوره عملی آموزش دین برای هر زائر است که تا هر مسلمانی آن را در تمام عمر حداقل یک‌بار پیاده نکند، به حقیقت ایمان نمی‌رسد. از این رو فرموده‌اند: تارک حج در صف یهود و نصاری قرار داده می‌شود. (۴۱) و در مقابل، حج و عمره عامل مؤثر برای اصلاح ایمان و تقویت دین معرفی شده است. (۴۲)

چه این که حج مروری بر توحید و تاریخ حامیان آن از آدم تا ابراهیم و خاتم و درگیری مدام ایمان و کفر و نفاق می‌باشد و هر کدام از اعمال حج و امکنه مقدسه از حرم و میقات و مکه و کعبه و سعی و عرفات و مشعر و منی یا انسان سخن می‌گویند و حاجی را به اندیشه واهی دارند و آگاهی‌های لازم به او منتقل می‌شود و در نهایت سبب بینش توحیدی که ام و اساس همه مسائل است می‌گردد. از سوی دیگر، در حج آموزش عملی فرهنگ برابری و مساوات و اخوت و تعاون و طرد هرگونه تفرق و نفاق داده می‌شود؛ یعنی به حاجی می‌آموزند که علی‌رغم تفاوت‌هایشان در رنگ و پوست و نژاد و زبان و مقام و ثروت، همه در نزد خداوند مساوی هستند. خطبه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة‌الوداع شاهد روشن و واضح بر این مدعاست که فرمود: از نظر اسلام همه مردم با همه برابرند؛ عرب بر عجم و عجم بر عرب هیچ فضیلتی ندارد، مگر به ملاک تقوی... مسلمان برادر مسلمان است. (۴۳)

و در یک کلمه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرهنگی که در ایام حج به حاجی منتقل می‌گردد، فرهنگ توحید خالص ابراهیمی محمدی صلی الله علیه و آله است.

اما آیاتی که بعد فرهنگی حج از آن استظهار می‌شود عبارتند از: "جعل الله الکعبه البیت الحرام قیاما للناس" خداوند کعبه را که خانه محترم است وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است. (۴۴)

"و اذن فی الناس بالحج - ليشهدوا منافع لهم" ای ابراهیم در میان مردم اعلان عمومی برای حج‌بنما تا پیاده و سوار بر مرکب‌های لاغر از هر راه دور، قصد خانه خدا کنند تا شاهد منافع گوناگون خویش در این برنامه حیات‌بخش باشند. (۴۵)

دقت در اطلاق دو کلمه «قیام» و «منافع» باعث رهنمون شدن به مطلب وسیع و گسترده‌ای می‌گردد که قوام و حیات جامعه بشری و تامین هر نوع منافع انسان‌ها در گرو تحقق این مراسم باشکوه حج است.

چه چیزی بالاتر و مهم‌تر از فرهنگ جامعه که قوام و حیات جامعه در گرو فرهنگ آن جامعه است. چه منافی عزیزتر و با ارزش‌تر از منافع فرهنگی، عقیدتی، بلکه آن منافی که اولاً و با لذات با این فریضه الهی و امکان مقدس تناسب دارد. همه ایمان و ارزش‌های الهی است. که شاهد قوی و گویای آن این است که بعد فرهنگی در جوامع روایی به عنوان یکی از مهم‌ترین علل و فلسفه‌های حج مطرح شده است. چنان که امام صادق علیه السلام در جواب هشام بن حکم در مورد حکمت‌های حج فرمود: خداوند متعال به وسیله حج، زمینه اجتماع مردم مشرق و مغرب را فراهم کرده، برای این که همدیگر را بشناسند و تفاهم کنند... و برای این که آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شناخته شود و اخبار و گفتار وی احیاء گردد تا به دست فراموشی سپرده نشود. جالب این که امام علیه السلام در دنباله آن، دلیل این مطلب را هم بیان می‌فرماید که اگر هر قوم و ملتی تنها از کشور و بلاد خویش سخن بگویند و تنها به مسائلی که در آن است بیندیشد، همگی هلاک می‌گردند و کشورهایشان ویران می‌شود و از بسیاری از منافع و سودها و اطلاعات و اخبار محروم می‌شوند. این است فلسفه و دلیل کنگره جهان حج. (۴۶)

بنابراین، یکی از علل حج، شناخت و آشنایی مردم با آثار و احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و زنده نگه داشتن و به دست فراموشی نسپردن آنهاست؛ یعنی حج در واقع مروری بر تاریخ اسلام و پیامبر اسلام بلکه مروری بر توحید و حامیان آن از آدم تا ابراهیم و خاتم است و تابلویی برای تمام فداکاری‌های قهرمان توحید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که حاجی با دیدن این صحنه‌ها و امکان پیام می‌گیرد.

از سوی دیگر، ایام حج فرصتی است بسیار مناسب برای تبلیغ فرهنگ اصیل اسلام، در میان قشر وسیع و قابل توجهی از مسلمین که از اطراف و اکناف عالم در این نقطه اجتماع کرده‌اند. و اصولاً از مقدمات اولیه حج تعلم بسیاری از مسائل اسلامی است که به نوبه خود به علماء متعهد اسلام امکان می‌دهد تا از استقبال مردم برای تعلیم و ارشاد و نشر فرهنگ غنی اسلام استغناء نمایند.

حج در واقع آموزشگاهی است که هر سال دایر می‌گردد و مؤسس آن خداوند منان و اساتید آن انبیاء و ائمه معصومین و علماء متعهد اسلام هستند که معارف اصیل و ناب را به کام تشنگانی که از سراسر عالم در این مکان گردهم آمده‌اند، می‌ریزند. چنان که سیره عملی انبیاء عموماً و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه کرام خصوصاً بر این منوال بود که از این کنگره عظیم حج در جای جای مواقف و مشاعر به نحو احسن استفاده نمایند. و شاید یکی از علل موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نشر و گسترش اسلام به سراسر عالم این بود که در مدت سیزده سال اقامت در مکه با نمایندگان و سران قبائلی که از اطراف عالم برای اداء حج به مکه

می‌آمدند، تماس برقرار نماید و به تبلیغ بپردازد که بعضی از مورخین نمونه‌هایی از این قبیل ذکر کرده‌اند. (۴۷)
علاوه بر این‌ها:

- پیام‌رسانی و تبلیغ حضرت علی‌علیه السلام در سرزمین منی در ضمن تلاوت آیات برائت.

- تبلیغ امام حسین‌علیه السلام در موسم حج برای بیان رسالت خود و اوضاع سیاسی یزید که برای تحقیق این هدف چند ماه در مکه توقف نمود تا حجاج از سراسر دنیا در موسم حج گردهم آیند.

- تبلیغ امام صادق‌علیه السلام در عرفات در میان انبوه جمعیت که با صدای بلند رو به هر طرف نموده و در هر بار سه مرتبه می‌فرمود: ای مردم، رهبر شما رسول خدا بود بعد حضرت علی، پس امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر و فعلا من هستم پس از من سؤال کنید. (۴۸)

- امام صادق‌علیه السلام در موسم حج خیمه‌ای برافراشته می‌کرد و دانشمندان آن روز به حضورش شرفیاب می‌شدند و راه و روش تبلیغات و مبارزه با مفاسد فکری و اعتقادی را فرا می‌گرفتند.

و در مقابل مسلمین و علماء هم در ایام اختناق از این فرصت استفاده کرد، در موسم حج شرکت نموده و از محضر ائمه‌علیهم السلام بهره‌برداری می‌کردند. گواه روشن آن، مباحثات عقیدتی و فقهی ائمه‌علیهم السلام و صحابه و تابعین و علماء در موسم حج است که به افتاء و تدریس و مناظره می‌پرداختند. پیام‌های حضرت امام خمینی‌قدس سره به حجاج بیت‌الحرام نیز در همین راستا بوده است.

بنابراین، ایام حج فرصت بسیار مناسب و استثنایی برای تبلیغ و نشر فرهنگ اصیل اسلام در میان قشر وسیع و قابل توجهی از مسلمین است هم تبلیغ قولی است و هم عملی و هم بررسی مسائل مختلف اسلامی توسط برجسته‌ترین افراد از نظر علم و تقوی، و هم مبارزه با ریشه‌های فرهنگ ضدتوحیدی و استعماری و هم خنثی کردن هرگونه توطئه و نقشه‌های شوم بر علیه اسلام ناب محمدی است. همچنان که پیامبراکرم صلی الله علیه وآله در جریان فتح مکه و حجة‌الوداع فرهنگ جاهلیت را عملاً و قولاً ریشه‌کن نمود.

نکته دیگری که در بعد فرهنگی حج نمایان است، مسئله پیام‌رسانی است. حاجی و زائر خانه خدا، علاوه بر این که معارف اصیل اسلام و آیات روشن الهی را مشاهده و پیام را دریافت می‌کند، (۴۹) باید این پیام را به عنوان ره توشه حج با خود به همراه برده و در محیط و شهر و آبادی خود نشر دهند، چه این که پیامبراکرم صلی الله علیه وآله در حجة‌الوداع خطاب به مردم فرمود:

باید این مطالب و معارف را حاضر و شاهد شما به غایب انتقال بدهد. (۵۰) چنان که امام حسین علیه السلام در سال ۵۸ هجرت، دو سال قبل از مرگ معاویه، در سرزمین منی در میان جمعیت ۱۰۰۰ نفری بعد از انتقاد از وضع موجود فرمود: گفتارم بشنوید و به خاطر بسپارید، وقتی که به محل سکونت خود برگشتید، پیام مرا به افرادی که مورد اطمینان هستند ابلاغ نمایید. (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۹۶)

همچنان که علی بن موسی الرضا علیه السلام در ضمن بیان علل و فلسفه حج فرمودند: در حج، تفقه و آشنایی با دین و گسترش فرهنگ اهل بیت به تمام نقاط جهان نهفته است: (۵۱) "مع مافیه من التفقه و نقل الاخبار الی کل صفح و ناحیه"

یعنی در حج هم پیام‌گیری است هم پیام‌رسانی و در واقع بهترین و مؤثرترین رسانه گروهی جامعه اسلامی است. اما نکته جالب در این روایت این است که امام علیه السلام در بیان این مطلب، تمسک به آیه نمودند که خداوند متعال در آن آیه مبارکه فرمودند: چرا از هر گروهی، طائفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کنند تا در امر دین تفقه نمایند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را انداز نمایند تا شاید (از مخالفت فرمان الهی) بترسند و خودداری کنند. (۵۲) "فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة ليتفقهوا فی الدین و لينذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون."

نعمت‌بهره‌برداری از معارف و فرهنگ ناب محمدی در مراسم حج اختصاص به مسلمین که توفیق حضور دارند ندارد بلکه آن‌ها موظفند این فرهنگ را به عنوان بهترین سوغاتی با خود برده و در منطقه خود نشر دهند و بدین وسیله نقش فرهنگی حج با توجه به تکرار آن در هر سال، ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند و در نهایت عامل قوی برای تقویت دین و ضامنی جاودانه برای فرهنگ اصیل اسلام خواهد بود و در نتیجه فرمایش امام صادق علیه السلام (تا کعبه برپاست دین هم استوار است)، "لا یزال الدین فانما ما قامت الکعبه"، جایگاه خودش را پیدا خواهد کرد.

بنابراین، یکی از اهداف و ابعاد عالیّه حج، آشنایی بیش‌تر و عمیق‌تر مردم با مسائل اسلامی و انتقال اخبار و پیام‌های حج به سراسر عالم است. حج آموزش چند روزه است برای آماده‌سازی فرد در پهنه زندگی، حج تابلویی از تمام فداکاری‌های قهرمان توحید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که با دیدن صحنه و امکان تبلیغ می‌شوند، پیام می‌گیرند، سپس به سراسر عالم نشر می‌دهند حج یک دانشگاه و دانشسرای عالی فرهنگی است که فرهنگ خودسازی، امنیت، عدالت اجتماعی، ایثار، مقاومت، نظم و انضباط، اتحاد و مساوات و... به حاجی تعلیم داده می‌شود. در حج عملاً به مسلمین می‌آموزند که چگونه می‌توان از نیروهای پراکنده، قدرت واحدی به وجود آورد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة‌الوداع این قدرت را به معرض نمایش گذاشت. حج محل زنده کردن آثار رسول الله است "و لتعرف آثار رسول الله و تعرف اخباره و یذكر و لا ینسی" و حج محل

تعلیم علوم اهل بیت و نشر آن به سراسر جهان "مع مافیه منالتفقه و فعل الاخبار الائمة الی کل صفغ و ناحیه" می باشد.

حضرت امام خمینی قدس سره احیاگر حج ابراهیمی درباره بعد فرهنگی حج فرمودند: حج کانون معارف الهی است. . . حج بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می گردند ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن نترسند از صدف این دریای گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیش تر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب های خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری های ما دفن و پنهان گردیده است. . . حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است؛ سرنوشتی که میلیون مسلمان هر سال به مکه می روند و پای جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند ولی هیچ کس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد صلی الله علیه وآله که بودند و چه کردند هدفشان چه بوده و از ما چه خواسته اند؟ (۵۳)

۳. بعد اقتصادی حج

حج با دارا بودن بعد معنوی و عرفانی عمیق و گسترده، ابعاد دیگر آن خصوصا بعد اقتصادی و مادی آن مورد تردید واقع شده است به طوری که گفته‌اند مگر ممکن است چنین عبادت پر معنویت، همراه با بعد مادی و اقتصادی باشد، بلکه این مسائل را منافی با روح حج می‌دانسته‌اند و این خاصیت یک سونگری به حج است. همچنان که این توهّم در زمان جاهلیت هم وجود داشته و خیال می‌کردند معامله و تجارت و کسب و کار در ایام حج حرام و باعث بطلان آن می‌گردد. (۵۴) اما خداوند متعال برای مقابله با این طرز تفکر آیات متعددی را نازل نموده است که تعدادی از آن‌ها به شرح ذیل است: گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگار خود (منافع اقتصادی در ایام حج) برخوردار شوید. (۵۵)

"لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم."

شکی نیست که مراد از فضل در آیه، فضل و بهره مادی است چون که مسائل معنوی جای هیچ‌گونه تردیدی نبود تا بفرماید: "لیس علیکم جناح". . . همچنان که مراد از ابتغاء، ابتغاء بعد از اتمام حج نیست، چون که معامله و تجارت بعد از اعمال حج جای بحث و گفت‌وگو نبوده است، بلکه آنجا که محل کلام بود معامله و تجارت در اثناء عمل بود و آیه مبارکه هم در رد مراد این نوع تفکر با صراحت تمام فرمود: (هیچ‌گونه مانعی و اشکالی وجود ندارد که مردم از فضل خدا بهره‌مند گردند بلکه با توجه به معنای ابتغاء (۵۶) می‌توان در راه کسب آن اجتهاد و کوشش هم نمود و حتی با ملاحظه "من ربکم" می‌توان به آن رنگ عبادت داد تا از مصادیق بارز آیه "رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکرالله"، (۵۷) به شمار آید. منتهی باید مواظب بود که تجارت در خلال حج ابتغاء من فضل الله باشد.

مؤید دیگر بر اطلاق ابتغاء فضلا من ربکم بر امور مادی، نظایر این آیه در قرآن است که ابتغاء فضل الله بر امور مادی اطلاق شده است از جمله خداوند در سوره جمعه فرمود: هنگامی که نماز پایان گرفت شما آزادید در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی طلب کنید. (۵۸)

"فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله."

از سوی دیگر، این‌گونه یک سونگری به حج در زمان ائمه‌علیهم السلام برای اصحاب ایجاد سؤال کرد که آیا تجارت و بهره‌مندی مادی در ایام حج ضرری به حج می‌رساند یا نه، چنان که شخصی مثل معاویه بن عمار به

امام صادق علیه السلام عرض کرد: مردی برای تجارت به طرف مکه حرکت می‌کند یا شتری دارد که کرایه می‌دهد آیا حجب ناقص است یا کامل؟ حضرت پاسخ فرمودند: حجبش کامل و تمام است. (۵۹)

از جمله آیات دیگری که دلالت بر بعد اقتصادی حج دارد، آیه شریفه ذیل می‌باشد:

"و اذن فی الناس بالحج... لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم الله... " (۶۰) ترجمه آن گذشت. با توجه به تقابل دو جمله «لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم الله»، استظهار می‌شود که حج دو بعد دارد، بعد عبادی و غیر عبادی. و قطعا یکی از مصادیق بارز منافع، منافع اقتصادی حج است که احتمالا به دلیل اهمیت این بعد یا جهت مقابله با تفکر جاهلی، مقدم بر بعد معنوی حج ذکر شده است.

شاهد قطعی بر این که مراد از منافع، منافع اقتصادی هم هست تمسک امام رضا علیه السلام به این آیه شریفه است که در ضمن بیان علل و فلسفه حج فرمود:

منافع و آثار حج تمام اهل زمین از شرق و غرب و بر و بحر را فرا می‌گیرد چه آن‌ها که حجه به جا می‌آورند و چه آن‌ها که به جا نمی‌آورند از تجار و کسبه و مساکین و حاجتمندان... برای همین منافع قرآن فرمود: "لیشهدوا منافع لهم" (۶۱)

توجیه دیگری که می‌شود برای تقدم بعد غیر عبادی بر عبادی در این آیه مبارکه ذکر کرد، جنبه روانی قضیه است که برای جذب مردم عادی به سوی خانه خدا، ابتدا روی منافع مادی تکیه نمود. و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی از آنجایی که انسان فطرت حب‌الذات دارد و منافع خودش را دوست دارد از این‌رو در همان اول فرمود "لیشهدوا منافع لهم". (۶۲)

از جمله آیات دیگر، آیه ۲ از سوره مبارکه مائده می‌باشد که خداوند متعال ضمن خطاب به مؤمنین فرمود: احترام آنهایی که به خاطر معاش و معادشان قصدخانه خدا را نموده‌اند نگه دارید. (۶۳) یعنی این زائرین خانه خدا انسان‌های محترمی هستند نباید حریم آن‌ها حلال شمرده شود.

علاوه بر این که لسان این آیه لسان مدح است و نیز بعد اقتصادی آن مقدم بر بعد عبادی "رضوانا" گردیده و از تقابل "فضلا من ربهم و رضوانا" به خوبی استفاده می‌شود که مراد از «فضلا من ربهم» منافع اقتصادی می‌باشد. شاهد قرآنی دیگر بر بعد اقتصادی حج، آیه‌ای از سوره مبارکه قصص است که خداوند متعال ضمن منت گذاشتن بر مشرکین، روی دو نعمت تاکید فرمود: یکی امنیت و دیگری مواهب اقتصادی.

آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار ندادیم که محصولات هر شهر و دیاری به سوی آن آورده شود ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند. (۶۴)

"اولم تمکن لهم حرما امنا یجیبی الیه ثمرات کل شیء رزقا من لدنا و لکن اکثرهم لایعلمون".

عنایت در کلمات «کل شیء» و «رزقا من لدنا» و فعل «یجیبی» که دلالت بر استمرار دارد، اهمیت مطلب را دو چندان خواهد کرد. به علاوه، این دو نعمت متعلق به زمانی بود که آن‌ها مشرک بودند تا چه رسد به این‌که موحد شوند، اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند، ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، برکات آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشاییم. (۶۵)

"و لو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض".

شاهد قرآنی دیگر آیه ۲۸ از سوره توبه است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بدانید که مشرکین آلوده و ناپاکند بنابراین، پس از این سال نباید قدم به مسجدالحرام بگذارند و اگر از فقر می‌ترسید به زودی خداوند شما را از فضلش، هرگاه بخواهد بی‌نیاز می‌سازد خداوند دانا و حکیم است.

از آنجایی که اهل مکه در انتظار سود و تجارت بودند ترسیدند که نکند به خاطر این منع، تجارت آن‌ها از رونق بیفتد و وضع اقتصادی آن‌ها خراب شود، از این‌رو خداوند در مقام دل‌داری آنها وعده فرموده به زودی شما را از فضلش بی‌نیاز می‌سازد.

همچنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد که بزرگ‌ترین بازار از جمله بازار معروف عکاظ در موسم حج برپا می‌شود. و احتمالا سوره قریش (۶۶) را بتوان مؤید دیگر قرآنی بر این‌گونه بازار دانست. ادامه دارد. . . .

پی‌نوشت‌ها :

- ۱- «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» ، ذاریات / ۵۶
- ۲- آقا میرزا جواد ملکی تبریزی، المراتبات، قم، دارالمثقف المسلم، ۱۳۶۳، ص ۱۹۷
- ۳- علامه محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱، قم، منشورات جامعه مدرسین، بی‌تا، ص ۲۹۸
- ۴- بقره / ۱۲۵
- ۵- حج / ۲۶
- ۶- طباطبائی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۶۸ ؛ آلوسی بغدادی، روح‌المعانی، ج ۱۷، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۱۴۳ ؛ فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۶
- ۷- طباطبائی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۶۸ و ۳۶۷
- ۸- ان‌الش‌رک الظلم عظیم: لقمان / ۱۳
- ۹- حج / ۲۶
- ۱۰- و لیطوفوا بالبيت العتیق ثم محلها الى‌البيت العتیق. حج: ۲۹، ۳۳
- ۱۱- حج / ۳۷
- ۱۲- بقره/ ۱۹۷
- ۱۳- آیه‌الله جوادى آملى، جرعه‌ای از بیکران زمزم، تهران، معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱، ص ۱۴۳
- ۱۴- حج / ۲۹
- ۱۵- لیقضوا تفثم لقاء الامام: عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۳، قم، مؤسسه اسماعیلیان، بی‌تا، ص ۴۹۳، محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ق، ص ۵۴۹
- ۱۶- تمام الحج لقاء الامام، نورالثقلین، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۳ ؛ مجلسی، پیشین، ج ۹۶، ص ۳۷۴؛ وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۴ و ۳۲۵؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، (بیروت: دارصعب‌درالتعارف، ۱۴۰۱ ق)، ص ۳۴۵
- ۱۷- بقره / ۲۰۰
- ۱۸- مرحوم نراقی، جامع‌السعادات، ج ۲، نجف، مطبعة‌النجف، ۱۳۸۳، ص ۳۴۵
- ۱۹- انما المؤمنون الذین اذا ذکرالله و جلت قلوبهم، انفال / ۲
- ۲۰- انفال / ۲؛ بقره / ۱۹۸، ۲۰۳؛ حج / ۲۸ و ۳۴ و ۳۶
- ۲۱- روح‌المعانی، پیشین، ج ۱۷، ص ۱۵۴
- ۲۲- حج / ۳۵
- ۲۳- علامه طباطبائی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۷۵

- ۲۴- بقره ۱۲۷/
- ۲۵- مائده ۲/
- ۲۶- الرضوان الرضا الكثير و لما كان اعظم الرضا رضاالله تعالى خص لفظ فى القرآن بما كان من الله تعالى.
مرحوم راغب اصفهانی، المفردات، بیروت، دارالمعرفه، بی تا
- ۲۷- توبه ۷۲/
- ۲۸- فهو شعبه من رضوانه، مجلسی، پیشین، ج ۹۶، ص ۲۹
- ۲۹- ابراهیم ۳۷/
- ۳۰- علامه طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۷۷
- ۳۱- حج ۲۶/
- ۳۲- آل عمران ۹۷/
- ۳۳- مجلسی، پیشین، ج ۹۶، ص ۱۲۴
- ۳۴- محجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۰۱؛ المراقبات، پیشین، ص ۲۰۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۷، ص ۱۶
- ۳۵- حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۲
- ۳۶- آل عمران ۹۷/
- ۳۷- بقره ۱۹۷/
- ۳۸- حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۱۰
- ۳۹- حضرت امام خمینی در این باره فرمود حاجی باید به جای سوغات‌های مادی و فانی، دستاوردهای باقی و ابدی برای دوستان سوغات آورند، همان مدرک، ص ۱۱
- ۴۰- مفاتیح‌الجنان، قسمتی از مناجات تائیین خمسۀ عشر.
- ۴۱- من سوف الحج حتى يموت بعثه الله يوم القيمة يهوديا او نصرانيا، نورالثقلین، پیشین، ج ۱، ص ۳۷۴
- ۴۲- حجوا او اعتمرا - يصلح ايمانكم، بحار، ج ۹۶، ص ۲۵
- ۴۳- ابن سعبه، تحف العقول، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی، ۱۳۹۴ ق، ص ۳۰، ضمن خطبه حجةالوداع
- ۴۴- حج ۲۷/ و ۲۸
- ۴۵- حج ۲۷/ و ۲۸
- ۴۶- وسائل‌الشیعه، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۴
- ۴۷- السیره، ابن هشام، ج ۱، بیروت، دارالفرقان، ۱۳۵۷ ق، ص ۴۲۲
- ۴۸- فروع کافی، ج ۴، ص ۴۶۶
- ۴۹- ليشهدوا منافع لهم - حج ۲۸؛ فيه آیات بینات - آل عمران ۹۷/
- ۵۰- آیه‌الله جوادی آملی، جرعه‌ای از بیکران زمزم، پیشین، ص ۱۵۷
- ۵۱- نورالثقلین، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۳
- ۵۲- توبه ۱۲۴/

- ۵۳- حج در کلام و پیام امام خمینی، ص ۷۲، ۷۳
- ۵۴- مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۲۹۵
- ۵۵- بقره / ۱۹۸
- ۵۶- ابتغاء: فقد خص بالاجتهاد فی الطلب - بغیت الشیء اذا طلبت اکثر ما یجب و ابتغیت کذلک - مفردات راغب.
- ۵۷- نور / ۳۷ - مردان الهی کسانی هستند که نه تجارت آنها را از یاد خدا باز می‌دارد نه خرید و فروش.
- ۵۸- جمعه / ۱۰؛ آل عمران / ۱۷۴؛ نحل / ۱۴؛ اسراء / ۱۲
- ۵۹- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۷۵
- ۶۰- حج / ۲۷ و ۲۸
- ۶۱- مجلسی، پیشین، ج ۹۶، ص ۳۲
- ۶۲- المیزان، ذیل آیه
- ۶۳- مائده / ۲
- ۶۴- قصص / ۵۷
- ۶۵- اعراف / ۹۶